Part 3 - English Verbs + Prepositions

No	Words	Examples	Meaning
385	account for توجیه کردن	How do you account for the differences between the two financial reports?	اختلاف بین دو گزارش مالی را چطور توجیه می کنی؟
386	accuse (someone) of (something) کسی را متهم کردن	Dan accused Henry of stealing money from the company.	دن هنری را به دزدی از شرکت متهم کرد.
387	adapt to سازگار شدن با	When I moved to a different country, it was hard for me to adapt to the new culture.	وقتی به یک کشور جدید وارد شدم سازگار شدن با فرهنگ جدید برام سخت بود.
388	add (something) to (something) افزودن چیزی به چیز دیگر	I added some salt to the soup to give it more flavor.	به منظور افزودن مزه به سوپ کمی نمک اضافه کردم.
389	adjust to عادت کردن به	After I got divorced, I had to adjust to life as a single man.	بعد از اینکه از همسرم جدا شدم ناچار بودم به عنوان یک مرد مجرد به زندگی عادت کنم.
390	admire (someone) for (something) تحسین کردن بخاطر	I admire Joanne for her dedication.	از خود گذشتگی یوان را تحسین می کنم.
391	agree on (topic) موافق بودن در مورد	My teacher and I agree on the importance of listening practice.	من و معلمم در مورد اهمیت لیسنینگ با هم موافق هستیم. agree ON +اسم
392	agree to (do something) موافقت کردن با	She agreed to make cookies for the party.	او قبول کرد که برای میهمانی شیرینی درست کنه. agree TO + فعل
393	agree with (someone)	I agree with you.	باهات موافقم. agree WITH + شخص

www.drzaban.com

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه دیار زبان پارس است.
دکتر زبان
www.DrZaban.com